

Word Order Typology in the Middle Persian Language

Zabihollah Komijani¹

In language typology of the word order, arrangement of structures at the level of clause, group and sentence is examined. In the present study, according to the universal components of typology introduced by Greenberg (1963) and Dreyer (1992), the word order in the Middle Persian is examined based on the 24 components of Dabir moghaddam (2006). The Middle Persian (Pahlavi) is one of the Middle Western Iranian languages of the southern branch. Of the 24 specified components (Dabir Moghadam 2006), 17 components have been specified as common components of Iranian languages and 7 components as variable items in these languages. In this research, after defining, describing and using the findings of pioneers in the language typology, the examples and linguistic evidences of 24 components at the level of clause, group and sentence in the Middle Persian are presented. The Examples of this paper were extracted Pahlavi books of religious texts; Inspiration and prophecy, injunctions, debates, epic texts, history, geography, religious and legal laws and small Pahlavi treatises. Based on the findings of the research, it was found that in the Middle Persian, the tendency of the correlation pair ov is more than vo. The main word order in sov of the Middle Persian is variable and free.

Key Words: Word Order, Middle Persian Language, Typology,

¹ Department of English and Linguistics, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran. zabikomijan28@yahoo.com

رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها در زبان فارسی میانه

ذبیح اله کمیجانی بزچلویی^۱

چکیده

در رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها، آرایش سازه‌ها در سطح بند، گروه و جمله بررسی می‌شود. در پژوهش حاضر با توجه به مولفه‌های جهانی رده‌شناسی که توسط گرینبرگ (۱۹۶۳) و درایر (۱۹۹۲) معرفی شد، ترتیب واژه‌ها در فارسی میانه براساس ۲۴ مولفه دبیرمقدم (۲۰۰۶) بررسی می‌شود. فارسی میانه (پهلوی) از زبان‌های ایرانی میانه غربی شاخه جنوبی است. از ۲۴ مولفه مشخص شده ۱۷ مولفه را دبیرمقدم (۲۰۰۶) به عنوان مولفه‌های مشترک زبان‌های ایرانی و ۷ مولفه را به عنوان موارد متغیر در این زبان‌ها مشخص کرده است. در این پژوهش، بعد از تعریف، توصیف و بهره‌گیری از یافته‌های پیشگامان در رده‌شناسی زبان، نمونه‌ها و شواهد زبانی ۲۴ مولفه در سطح بند، گروه و جمله در فارسی میانه ارائه می‌شود. نمونه‌ها از آثار کتاب‌های پهلوی متون دینی؛ الهام و پیشگویی، اندرزنامه‌ها، مناظرات، متن‌های حماسی، تاریخ، جغرافیا، قوانین دینی، حقوقی و رساله‌های کوچک پهلوی استخراج شدند. بر اساس یافته‌های تحقیق مشخص شد که در فارسی میانه تمایل جفت همبستگی OV بیشتر از VO است. ترتیب واژه‌های اصلی در فارسی میانه SOV متغیر و آزاد است.

واژگان کلیدی: ترتیب واژه‌ها، فارسی میانه، رده‌شناسی، رده‌شناسی گرینبرگ، رده‌شناسی درایر.

۱- مقدمه

در رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها، آرایش سازه‌ها در سطح بند، گروه و جمله بررسی می‌شود. شش ترتیب واژه بر اساس ترتیب فعل (V)، فاعل (S)، مفعول (O) در جمله برای زبان‌های دنیا مشخص شده است که ترتیب دیگر واژه‌ها بر اساس آن تعیین می‌شود. دو ترتیب SOV و SVO در اکثر زبان‌های دنیا وجود دارد. درایر (۱۹۹۲) با بررسی ۶۲۵ زبان دریافت که زبان‌ها از دو الگوی OV یا VO پیروی می‌کنند، و ویژگی‌های ترتیب واژه‌ها در این دو گروه تا حد زیادی معکوس همدیگر است. دبیر مقدم (۲۰۰۱ و ۲۰۰۶) ترتیب واژه‌ها در برخی از زبان‌های ایرانی را

^۱ دانشجوی دکتری زبان شناسی همگانی، گروه آموزش زبان انگلیسی و زبان‌شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.
zabikomijan28@yahoo.com

رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها در زبان فارسی میانه/ ۷۹

بر اساس معیارهای درایر بررسی کرد. فارسی میانه از زبان‌های ایرانی میانه غربی شاخه جنوبی است.

۱-۱- بیان مساله

ترتیب واژه‌ها در رده‌شناسی زبان به طبقه‌بندی ساختاری زبان‌ها، مطالعه الگوها و یا تعمیم‌های موجود میان زبان‌ها اطلاق می‌شود (منشی زاده، ۱۳۸۶). اهمیت رده‌شناسی در همگرایی، تداخل، دسته‌بندی زبان‌ها، یافتن روابط موجود میان آنها به لحاظ ساختارهای دستوری و ترتیب واژه‌های اصلی با جفت‌های همبستگی OV و VO، تحلیل نحوی تجزیه جمله به سازه‌های تشکیل دهنده آن، تعیین مقوله‌های سازه‌ها و نقش‌های آنها است. در رده‌بندی کل‌گرا در طبقه‌بندی زبان‌ها، ملاک‌هایی چون نوع ترکیب و به هم پیوستن عناصر جمله و در رده شناسی جزء‌گرا همانندی میان زبان‌ها، توانایی‌ها و شباهت‌های بالقوه آنها مد نظر قرار می‌گیرد. به نقل از منشی زاده و ناصح (۱۳۸۶) سولنسف (۱۹۸۶) معتقد است که در زبان‌ها در بیان ویژگی‌های دستوری از دو راه استفاده می‌شود یعنی از توالی واژه‌ها و فعل کمکی بهره می‌برند، و یا از روابط درون واژه‌ها سود می‌جویند. در توالی واژه‌ها در رده‌شناسی زبان، اهمیت رابطه معنادار واژه‌ها نسبت به ترتیب فعل و مفعول در جمله و تعیین مولفه‌های جفت همبستگی OV و VO مد نظر است.

فارسی میانه از زبان‌های ایرانی میانه غربی است، که به دو شاخه جنوبی و شمالی تقسیم می‌شود، شاخه غربی شمالی را پهلوی اشکانی و شاخه غربی جنوبی را پهلوی ساسانی می‌نامند. ارگیتو و نظام حالت (صریح، غیر صریح) از مهمترین ویژگی‌های فارسی میانه به شمار می‌آید. در این پژوهش منظور از فارسی میانه همان پهلوی ساسانی یا فارسی میانه زردشتی است. اما در سده‌های نخستین دوران اسلامی اصطلاح فارسی را برای فارسی نو که از «فارسی میانه» متحول شده بود به کار می‌بردند (آموزگار - تفضلی: ۱۳۷۵، ۱۴). زبان پهلوی (فارسی میانه) جزء زبان‌های ایرانی میانی غربی جنوبی است که اساساً زبان رایج در فارس در دوره ساسانیان بوده و در نواحی دیگر گسترش یافته است. این زبان در مقایسه با فارسی باستان و فارسی جدید، فارسی میانه پهلوی است (آموزگار و تفضلی، ۱۳۷۵: ۱۲).

بر اساس پژوهش‌های منشی‌زاده (۱۳۸۶) و دبیر مقدم (۲۰۰۱)، فارسی میانه آرایش سازه‌ای آزاد دارد. علم رده شناسی با کشف جهانی‌های زبان و طبقه‌بندی زبان‌ها به رده‌های مختلف، با یکدیگر مرتبط و در واقع مکمل همدیگرند.

بر اساس بعضی از مولفه‌ها و جهانی‌های گرینبرگ (۱۹۶۳) و پژوهش‌های درایر (۱۹۹۲)، دبیر مقدم (۲۰۰۱ و ۲۰۰۶) در فارسی نو، فارسی میانه و فارسی باستان مولفه‌های جفت همبستگی OV و VO را بررسی کرده است. در این پژوهش سعی بر این است تا تغییرات الگوهای ۲۴ پارامتر ترتیب واژه‌ها در فارسی میانه (پهلوی) بر اساس نمونه‌های متون مکتوب بررسی شود.

۲- پیشینه پژوهش

برخی از مقالات و پژوهش‌هایی که در مورد رده‌شناسی و ترتیب واژه‌ها در زبان‌های مختلف در داخل و خارج از کشور انجام شده در ادامه ارائه می‌شود.

با گذر اجمالی بر تاریخ زبان‌شناسی می‌توان مشاهده کرد که افرادی چون گابریل جرارد (قرن‌های ۱۷ و ۱۸) فریدریش آگوست شگل (قرن‌های ۱۸ و ۱۹) و بلهم هومبولت (قرن‌های ۱۸ و ۱۹) ادوارد سایپر (۱۹۳۹ - ۱۸۸۴) و ولادیمیر اسکالیچکا (۱۹۹۱ - ۱۹۰۹) مشهورترین دانشمندانی بوده‌اند که به این گونه رده‌شناسی پرداخته‌اند. رده‌شناسی کل‌گرا در ظاهر با ادوارد سایپر به پایان رسیده است.

جوزوف گرینبرگ (۱۹۶۳) بر اساس داده‌های گرد آمده از ۳۰ زبان مختلف به ارائه ۴۵ همگانی تلویحی موفق شد. بیشتر جهانی‌های پیشنهادی گرینبرگ، تلویحی یا استلزامی هستند، و نه مطلق. از میان جهانی‌های گرینبرگ شماری از آنها جهانی‌های ساخت‌واژی محسوب می‌شوند. جهانی‌های ۲۶ تا ۴۵ جهانی‌های ساخت‌واژی هستند. جهانی‌های ۷ تا ۲۵ مربوط به حوزه نحو است.

جانسون (۱۹۷۴) تطابق فاعل، فعل و مفعول را در زمان‌های مختلف بررسی و زبان‌ها را به صورت فاعلی (nominative) و ارگیتو مطلق (ergative) بر اساس رده‌شناسی کل‌گرا تقسیم بندی کرده است. هاوکینز (۱۹۸۳) با بررسی ۳۰۰ زبان به نظام همگانی‌های سه ارزشی (مطلق غیر آماری، تلویحی آماری و چند بخشی) دست یافت. با این مفهوم که اگر در زبانی ویژگی‌های X و Y وجود داشته باشد، حتماً ویژگی Z هم در آن زبان وجود دارد. در این نظام، ویژگی اصلی رده‌شناسی جزءگرا بررسی می‌شود، یعنی ابتدا توصیف انجام و سپس تبیین شکل می‌گیرد.

درایر (۱۹۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «همبستگی‌های ترتیب واژه‌ها گرینبرگ» که به صورت تجربی همبستگی‌های ترتیب واژه‌ها بر روی ۶۲۵ زبان بود بررسی کرد. اولین نتیجه این پژوهش تعیین جفت عناصر همبستگی در ترتیب فعل و فاعل بود که در جایگاه ثابت قرار ندارند.

دبیر مقدم (۱۹۹۷) با نگاهی در زمانی به زبان فارسی در ادوار مختلف فارسی باستان، میانه و فارسی معاصر تلاش کرده است تا میزان انطباق آنها را با اصول تلویحی مطرح در رده‌شناسی معلوم کند و بر این اساس در مورد وضعیت ترتیب واژه‌های زبان فارسی تصمیم‌گیری نماید. او از مولفه‌های درایر (۱۹۹۲) در جهت دست یافتن به هدف خود استفاده کرده است. دبیر مقدم در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که رفتار رده‌شناختی زبان فارسی جدید بسیار بیش از زبان فارسی میانه و باستان شبیه زبان‌های فعل میانی است. اگر چه تحقیقات عینی و آماری نشان می‌دهند که حداقل جملات ساده در زبان فارسی معاصر همچنان گرایش قوی به فعل پایانی بودن دارند. توجه او برای این رفتار فارسی معاصر، مسئله معیارسازی و برنامه‌ریزی زبانی است. به عبارت دیگر او معتقد است که علت عدم تغییر صورت فعل پایانی به فعل میانی در جملات ساده زبان فارسی ناشی از تاثیر یک عامل برون زبانی یعنی معیارسازی است.

دبیر مقدم (۲۰۰۶) در پژوهشی با نام نقش‌های درونی و بیرونی در رده شناسی زبان‌های ایرانی اظهار داشته است که از ۲۰ شاخص که توسط درایر (۱۹۹۲) ارائه شده است، ۱۹ شاخص آن در زبان‌های ایرانی وجود دارد و شاخص ترتیب واژه‌های جمع و اسم شامل زبان‌های ایرانی نمی‌شود. ۵ شاخص به صورت آماری در این زبان‌ها در دسترس است. از ۲۴ شاخص ارائه شده توسط دبیر مقدم (۲۰۰۶) و بررسی آن در فارسی امروز و زبان‌هایی چون گیلگی، مازندرانی، کردی، هورامی، وفسی، لکی، لری، راجی، دلواری، لاری و نائینی که آنها را با زبان‌های اروپایی، آسیایی و نیز با زبان‌های جهانی مقایسه کرده است، ۱۷ شاخص به عنوان شاخص عمومی و ۷ شاخص به عنوان شاخص همبستگی معرفی شده است.

در پژوهش محمود اف (۱۳۶۵) با عنوان «ترتیب توالی کلمات در جملات ساده دو ترکیبی فارسی» ترتیب توالی کلمات در دو مجموعه داستان فارسی معاصر مورد بحث قرار می‌گیرد. مقاله به شیوه آماری نشان می‌دهد که در ۷۰ درصد کل جملات مورد بررسی نهاد در مکان اول جمله قرار گرفته است.

ثمره (۱۳۶۹) در مورد آرایش سازه‌ای اصلی جمله در زبان فارسی چنین بیان کرده است که آرایش بند اصلی در زبان فارسی OV است، البته زبان فارسی نسبت به آرایش سازه‌ای بند اصلی حساسیت ندارد تا آنجا که می‌توان آن را در زمره زبان‌های دارای آرایش آزاد جمله به شمار آورد. زیرا آرایش و یا حتی دیگر آرایش‌ها نیز نسبت به موقعیت، دستوری و قابل قبول است. بنابراین پارامتر آرایشی بند اصلی را در رده‌شناسی این زبان‌ها نباید حیاتی دانست.

واحدی لنگرودی (۱۳۸۲) در پژوهشی ترتیب واژه‌های اصلی در جملات ساده و جفت‌های همبستگی در گویش گیلگی لنگرودی (یکی از گویش‌های شرق استان گیلان و متعلق به شاخه شمال غربی زبان‌های ایرانی) را بررسی کرده است. در این بررسی پارامتر ترتیب واژه‌های اصلی در سطح جملات ساده زبان و ارتباط آن با ترتیب سازه‌ها در سطح گروه، بند و جمله با تمایلات جهانی و آماری بررسی شد. او رابطه این ترتیب را با یکی از دو ترتیب واژه‌های اصلی یعنی OV و VO جفت همبستگی و نیز رابطه نسبی و معنادار بین ترتیب سازه‌ها را در سطح گروه، بند و جمله نسبت به یکدیگر با تمایلات جهانی‌های ضمنی / تلویحی تحلیل کرد. همچنین جفت همبستگی بر اساس نظریه هسته - وابسته و نظریه انشعاب در زبان‌هایی که هسته ابتدا یا هسته انتها هستند در جفت همبستگی بررسی کرد.

منشی زاده و ناصح (۱۳۸۶) در پژوهشی رده شناسی نحو زبان فارسی میانه پهلوی را بررسی کردند. در این مقاله ضمن معرفی حوزه‌های رده‌شناسی زبان و رویکردهای مطالعاتی آن، برخی نمونه‌ها و ترتیب واژه‌ها در زبان پهلوی تحلیل شد. این نمونه‌ها عبارتند از ساخت جمله، حرف اضافه، صفت و موصوف، قید، ساخت تفضیلی، بند موصولی، فعل کمکی، ادات منفی ساز، فعل ربطی، وندها، ساخت اضافه، عدد و پرسش واژه. نتایج نشان می‌دهد که زبان پهلوی آرایش سازه‌ای آزاد داشته است. ترتیب صفت و موصوف نمونه برجسته چنین ویژگی در این زبان است. لذا این زبان را چون زبان فارسی نمی‌توان به یک رده خاص زبانی محدود کرد بلکه روی یک طیف قابل بررسی است. البته در کل با در نظر گرفتن شواهدی چون مشخص بودن مرز تکواژها، ثابت بودن صورت آوایی آنها و قابل پیش بینی بودن تغییرات بیشتر آنها می‌توان ادعا کرد که پهلوی زبانی پیوندی است که ویژگی‌های ضعیفی از ترکیبی نیز در آن مشاهده

می‌شود، همچنین آرایش بند اصلی این زبان SOV است، ولی آرایش بیشتر سازه‌ها از الگوی VO پیروی می‌کند.

شریفی (۱۳۸۷) در زمینه بررسی آرای هاوکینز در حوزه آرایش واژه‌ها و بررسی انطباق و عدم انطباق این آرا بر آرایش واژه‌ها در زبان فارسی پژوهشی انجام داده است. او به این نتایج دست یافته است که این زبان نه تنها در دوره جدید بلکه در تمام ادوار تاریخی خود به لحاظ آرایش واژگانی دارای وضعیت ویژه‌ای بوده است که تطبیق آن را با اصول و پیش‌بینی‌های رده شناختی دشوار می‌کند. به بیان دیگر، برخی از پیش‌بینی‌ها، اصول و توجیهات رده شناختی هاوکینز در مورد زبان فارسی (گاه فارسی امروز و گاه فارسی میانه یا باستان و گاه در هر دو یا هر سه) مصداق پیدا نمی‌کند. به گفته وی به نظر می‌رسد علت این امر، آن باشد که آرایش سازه‌های درون گروه‌ها در زبان فارسی در طول تاریخ این زبان ثابت نبوده اما آرایش سازه‌های درون جمله از ثبات قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده است. به عبارتی دیگر در حالیکه طبق پیش‌بینی‌های رده‌شناختی انتظار می‌رفت فارسی امروز به لحاظ جایگاه گروه فعلی‌اش تغییراتی داشته باشد و تبدیل به زبان فعل میانی شده باشد، از این تغییر، سرباز زده است.

صابونچی، زرشناس (۱۳۹۸) پژوهشی درباره بررسی آرایش سازه‌های متن سغدی داستان دو مار از دیدگاه رده‌شناختی آرایش سازه انجام دادند. در این پژوهش چهارچوب نظری برای تحلیل آرایش سازه‌های این متن نظریه سوی انشعاب درایر است. درایر (۱۹۹۲) نخست نظریه هسته-وابسته (HDT) را ارائه نمود. بعد از انتقاد قرار دادن آن، نظریه جایگزین سوی انشعاب را ارائه نمود. بر مبنای نظریه (BDT) سازه‌های هم الگو با فعل، مقوله غیر گروهی (غیرانشعابی) و سازه‌های هم الگو با مفعول، مقوله گروهی (انشعابی) است. از نتایج حاصل از این پژوهش مشخص شد. در این متن از ۲۸ مولفه ۲۴گانه دبیر مقدم ۳۷۸ جفت عنصر یافت شد، که ۱۹۹ جفت عنصر چپ انشعابی و ۱۷۹ جفت عنصر راست انشعابی بودند. بر این اساس آرایش سازه‌ها در این متن گرایش به سوی چپ انشعابی دارند.

موسوی خو، زرشناس و رستم بیک تفرشی (۱۳۹۹) پژوهش دیگری در رده‌شناسی آرایش سازه‌های متن سغدی بودایی «وستره جاتکه»؛ بر اساس مولفه‌های فعلی انجام دادند. در این پژوهش به بررسی آرایش سازه‌های متن سغدی بودایی وستره جاتکه پرداخته شد. این داستان، طولانی‌ترین متن بازمانده سغدی است. این نوع پژوهش بر مبنای نظریه دبیر مقدم (۱۳۹۲) و درایر (۱۹۹۲) انجام شده است. مجموعه با توجه به مؤلفه‌های فعلی متعلق به گروه‌های زبان (OV) است. این متن براساس بررسی مولفه‌های وابسته به فعل خصوصیات زبان (OV) را داراست، به لحاظ رده‌شناسی متن وستره جاتکه گرایش به چپ انشعابی بودن دارد و هسته پایانی است.

۳-چارچوب نظری

در این پژوهش از الگوی ۲۴ پارامتری دبیر مقدم (۲۰۰۶) برای بررسی پارامترهای زبان‌های ایرانی، استفاده شده است. دبیرمقدم (۲۰۰۶) پارامترهای جفت همبستگی را به دو قسمت تقسیم کرده است، قسمت اول، ۱۷ پارامتر مشترک در زبان‌های ایرانی و قسمت دوم، ۷ پارامتر متغیر در این زبان‌ها است.

درایر (۱۹۹۲) نیز مطالعه‌ای به صورت تجربی در همبستگی‌های ترتیب واژه‌های گرینبرگ (۱۹۶۳) بر روی ۶۲۵ زبان بر اساس نظریه HDT (هسته - وابسته) و نظریه BDT (جهت انشعاب به راست یا چپ) انجام داده است. درایر (۱۹۹۲) عبارت‌های گروهی و غیرگروهی را بر اساس پارامترهای همبستگی و غیر همبسته در ۶ ناحیه جغرافیایی بررسی و نسبت آماری آن را در ترتیب همبستگی‌ها ارائه داده است. در ادامه این دو نظریه به طور مختصر بررسی می‌شود. یکی از مسائل مهم در مطالعات رده‌شناختی بررسی جفت‌های همبستگی بر اساس ترتیب واژه‌های اصلی در زبان‌های مختلف است و یکی از نظریه‌های مهم در این زمینه، نظریه هسته-وابسته درایر (۱۹۹۲) است.

۳-۱- نظریه هسته-وابسته (HDT)

همبسته‌های فعلی، هسته و همبسته‌های مفعولی، وابسته‌اند. به عبارت دیگر، یک جفت سازه X و Y به دفعات بسیار، بیشتر دارای ترتیب X و Y در زبان‌های VO در مقایسه با زبان‌های OV است، اگر X هسته و Y وابسته آن باشد. لذا درایر (۱۹۹۲) نشان داده است، که نظریه هسته - وابسته و حتی نظریه تعدیل شده معادل آن یعنی نظریه هسته - متمم نمی‌تواند به درستی و به طور یکسان جفت‌های همبستگی را در زبان‌ها مشخص نماید و رابطه آنها را با دو ترتیب اصلی VO و OV تعیین کند (واحدی لنگرودی، ۱۳۸۴).

۳-۲- نظریه جهت انشعاب (BDT)

نظریه جهت انشعاب، نظریه دیگری است که درایر (۱۹۹۲: ۱۰۱) پیشنهاد می‌کند. این نظریه، زبان‌ها را به دو نوع تقسیم می‌کند.

۱- زبان‌های انشعاب راست: در آنها مقولات گروهی بعد از مقولات غیرگروهی قرار می‌گیرند.

۲- زبان‌های انشعاب چپ: در آنها مقولات گروهی قبل از مقولات غیرگروهی قرار می‌گیرند.

درایر (۱۹۹۲) نظریه جهت انشعاب را به صورت دو نمونه بررسی کرد:

۳-۲-۱- نظریه جهت انشعاب نمونه ۱-

همبسته فعلی مقولات غیرگروهی (غیرانشعابی، واژگانی) هستند و همبسته مفعولی مقولات گروهی (انشعابی) اند. به عبارت دیگر، یک جفت سازه‌های X و Y به دفعات بسیار، بیشتر دارای ترتیب XY در زبان‌های VO، در مقایسه با زبان‌های OV است، اگر X از نوع غیرگروهی-غیرانشعابی و Y از نوع مقوله گروهی-انشعابی باشد (درایر: ۱۹۹۲، ۱۰۹).

۳-۲-۲- نظریه جهت انشعاب نمونه ۲-

همبسته‌های فعلی هسته‌اند و همبسته‌های مفعولی وابسته‌های کاملاً گروهی و تکراری هستند، یعنی یک جفت سازه‌های X و Y به دفعات بسیار، بیشتر دارای ترتیب XY در زبان‌های VO، در مقایسه با زبان‌های OV است، فقط اگر X هسته و Y وابسته گروهی X باشد. به عبارت دیگر که همبسته‌های فعلی غیرگروهی، هسته و غیرانشعابی ولی همبسته‌های مفعولی گروهی و انشعابی‌اند (درایر: ۱۹۹۲، ۱۱۶).

۴- روش انجام پژوهش

در این پژوهش برای بررسی ترتیب واژه‌ها در زبان پهلوی از ۲۴ مولفه دبیر مقدم (۲۰۰۶) استفاده شده است. نمونه‌ها از آثار کتاب‌های پهلوی متون دینی؛ الهام و پیشگویی، اندرزنامه‌ها، مناظرات، متن‌های حماسی، تاریخ، جغرافیا، قوانین دینی، حقوقی و رساله‌های کوچک پهلوی جمع‌آوری شده است. نمونه‌های این متون در سطح جمله، بند و گروه برای ترتیب واژه‌ها انتخاب و ترتیب واژه‌ها نیز بر اساس جفت‌های همبستگی OV و VO مشخص شدند. آوا نویسی استفاده شده در متون فارسی میانه (پهلوی) همان آوانویسی به شیوه مکنزی (۱۳۷۸) است. برای هر مولفه به طور جداگانه از فارسی میانه (پهلوی) نمونه و شاهدی انتخاب شد. ترتیب واژه‌ها نیز بر اساس جفت همبستگی VO و OV بررسی شد. از ۲۴ مولفه، ۱۷ مولفه مشترک در زبان‌های ایرانی است و ۷ مولفه دیگر در متغیر است.

۵- ترتیب واژه‌ها در فارسی میانه (پهلوی) بر اساس ۲۴ مولفه

دبیرمقدم (۲۰۰۶)

۵-۱- مولفه ۱- ترتیب نوع حروف اضافه^۱

حروف اضافه در زبان‌های پهلوی ساسانی و پارسی میانه تورفانی طیف نسبتاً گسترده‌ای از مفاهیم را در برمی‌گیرند و در پیوند با اجزای گوناگون جمله، به تعیین نقش دستوری آنها نیز یاری می‌دهند (مقدم، ۱۳۹۰: ۱۲۹).

ابوالقاسمی (۱۳۷۵) جایگاه حروف اضافه در جمله را در زبان پهلوی چنین بیان می‌کند:

الف- بیشتر حروف اضافه در این زبان از نوع پیش اضافه است.

ب- برخی حروف اضافه در زبان پهلوی متشکل از دو جزء است که بخشی به صورت پیشین و بخشی دیگر به صورت پسین به کار می‌رود (ابوالقاسمی، ۱۳۷۵: ۲۸۴-۲۸۶)

مانند : az..... hammi/is o..... rōn

(از همراه، در همراه) (به سوی)

1-Ardaxšahr xēšm rāy dāšt . (Mop. KA. P10 -L-19-20)

گذشته ساده- داشت پیش اضافه- را حرف اضافه موخر (به دلیل.. که) خشم اردشیر

اردشیر به دلیل خشمی که داشت.

(KA: Kārnāmag ī Ardaxšahr ī Pābagān)

زند بهمین یسن، بند ۳، فصل ۲) . 2-ēn yasnihā pad nihān ma dārēd .

دارد فعل ماضی ساده پیشوند منفی پنهان را یسنها این

این یسنها را پنهان مدارید.

¹ adposition type

رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها در زبان فارسی میانه/۸۵

حروف اضافه در زبان پهلوی قبل از اسم، صفت، قید، مفعول مستقیم قرار می‌گیرد. در نمونه‌های ۱ و ۲ حرف اضافه قبل از اسم قرار گرفته است. در زبان پهلوی پیشتر حروف اضافه از نوع پیش اضافه است و بر اساس تمایلات جهانی گرینبرگ (۱۹۶۳) و جهانی‌های کامری (۱۹۸۹) زبان‌های پیش اضافه دارای رابطه زیر هستند:

VO = Pr^۱, NA, N Rel, PN

OV = Po, GN, AN, RelN, NP

۲-۵- مولفه شماره ۲- ترتیب اسم و بند موصولی^۲

در پهلوی بند موصولی همواره پس از اسم قرار می‌گیرد (ابوالقاسمی ۱۳۷۵). در نمونه ۳ مرد پرهیزگار به عنوان اسم و بند موصولی بعد از اسم قرار گرفته است.

(زند بهمن یسن، فصل ۷، بند ۲۲). hawišt kē ahlaw mard ī panjēh sad ē-۳

داشت (شاگرد پشتوتن) که ضمیر موصولی که پرهیزگار ادات مرد پنجاه صد یک

بند موصولی اسم

یکصد و پنجاه مرد پرهیزگار که داشت (= شاگرد) پشتوتن اند.

مثال: زنی که وارد اتاق شد.

اسم هسته بند موصولی محدود کننده

با بررسی نمونه ۳ در فارسی میانه، اسم قبل از بند موصولی قرار می‌گیرد و ترتیب واژه‌های اصلی در جمله با جفت همبستگی VO سازگار و ترتیب آن به صورت زیر است:

VO= Pr^۲, NA, N Rel, PN

OV= Po, GN, AN, RelN, NP

۳-۵- مولفه ۳- ترتیب اسم و اضافه (مضاف و مضاف الیه)^۴

اضافه در زبان پهلوی بعد از اسم قرار می‌گیرد.

wan ī gurgānīng درخت پسته

اسم اضافه

و گاه (ī) حذف می‌شود، مانند زن خویش zan xwēš و گاه ترکیب اسم و اضافه مغلوب می‌گردد (منشی زاده و ناصح، ۱۳۸۶).

^۱ اسم = N اضافه = G حرف اضافه پیشین = Pr صفت = A بند موصولی = Rel حرف اضافه پسین = Po حرف اضافه = p

^۲ order of noun and relative clause

^۳ اسم = N اضافه = G حرف اضافه پیشین = Pr صفت = A بند موصولی = Rel حرف اضافه پسین = Po حرف اضافه = p

^۴ order of noun and genitive

مانند: اسم اضافه

دست راست *dašn dast* دست چپ *hōy dast*

برای نمایش اضافه ملکی از عبارتهای *ān - ān - ān* نیز استفاده می‌شود. مانند:

۴-Fradom *čār ī ātaxšān ud zarduxšt pad humat, hūxt, huwaršt se gām frāz raft.*

رفت فعل ماضی پیش گام سه کردار نیک گفتار نیک اندیشه بازردشت و آتش ضمیر موصولی نخست نخست کوره آتش و زدشت با اندیشه نیک، گفتار نیک <و> کردار نیک سه گام پیش رفت. (راشد محصل، ۱۳۶۶: فصل ۲۲، بند ۱۱).

در نمونه بالا ترتیب اسم و اضافه حفظ شده و ترتیب واژه‌ها با الگوی OV همبستگی ندارد و با جفت همبستگی VO سازگار است.

۵-۴- مولفه شماره ۴- صفت و عبارت معیار مقایسه (در ساختار مقایسه)^۱

در ساختارهای بی‌نشان، مقایسه پس از صفت تفضیلی واقع می‌شود.

۵-guft *ēstēd kū spagīh garāntar kū jādūgīh.*

است فعل محذوف جادویی ادات مقایسه - که صفت تفضیلی گرانتر *īh* شناسه - ماده مضارع که حرف پیوندی دوم شخص مفرد - فعل مجهول ماضی نقلی گفته شده است.

معیار مقایسه ادات صفت تفضیلی مورد مقایسه

« گفته شده است که تهمت زدن گرانتر از جادویی (است) (ابوالقاسمی، ۱۳۷۵: ۶۴).

در نمونه ۵ *kū* (که) به عنوان ادات بعد از صفت تفضیلی آمده است. معیار مقایسه هم قبل و هم بعد از صفت تفضیلی امکان حضور دارد و بر اساس نظریه درایر (۱۹۹۲) با جفت همبستگی VO سازگار است.

۵-۵- مولفه شماره ۵- ترتیب فعل و گروه حرف اضافه^۲

در زبان پهلوی حرف اضافه همراه با یک اسم و فعل، عبارت فعلی می‌سازد (مقدم، ۱۳۹۰). بیشتر حروف اضافه در زبان پهلوی از نوع پیش اضافه‌اند و برخی از حروف اضافه در زبان پهلوی متشکل از دو جزء است که بخشی به صورت پیشین و بخشی دیگر به صورت پسین به کار می‌رود. مانند:

āz..... hammis (برونر: ۱۹۷۷، ۱۴۸).

6-Nišān ō gēhān rasēd, stārag az asmān wārēd.

فعل ماضی ساده - بارد آسمان از ستاره فعل ماضی ساده - رسد جهان به نشان فعل گروه حرف اضافه گروه حرف اضافه

نشان به جهان رسد، ستاره از آسمان بارد (زند بهمن یسن، فصل ۷، بند ۶).

¹ order of adjective and standard in comparative construction

² order of verb and adpositional phrase

رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها در زبان فارسی میانه/ ۸۷

در نمونه ۶ گروه‌های حرف اضافه‌ای قبل از فعل قرار گرفته‌اند و گروه‌های حرف اضافه‌ای همبسته مفعولی‌اند. زیرا عبارت گروهی و انشعابی هستند. در نتیجه ترتیب واژه‌های اصلی این مولفه در زبان پهلوی با الگوی OV همبستگی دارد.

۵-۶- مولفه شماره ۶ - ترتیب فعل و قید حالت^۱

قید در پهلوی معمولاً قبل از فعل می‌آید. در پهلوی تکواژ وابسته دستوری مقوله ساز *īhā* به اسم یا صفت افزوده می‌شود و قید حالت می‌سازد (منشی زاده، ۱۳۸۶). مانند: *tanīhā* (تنها)

γ-Patītig būdan rāy mādagwar tis ēn kū wināh nē kunēd xwš
kāmīhā.

پسوند *īhā* - خواهانه خویش کند- ماضی ساده نه پیشوند فعل ساز گناه که این مهم برای بردن توبه کار قید حالت فعل

برای توبه کار بردن چیز مهم اینکه خویش خواهانه گناه نکند (ابوالقاسمی، ۱۳۷۵: ۲۷۵).

در نمونه ۷ قید حالت بعد از فعل *kunēd* آمده است. این مولفه با ترتیب واژه‌های اصلی در زبان پهلوی با الگوی OV همبستگی دارد.

۵-۷- مولفه ۷- ترتیب فعل ربطی و مسند^۲

مسند در زبان پهلوی قبل از فعل ربطی قرار می‌گیرد. از سویی دیگر فعل ربطی در برخی از جملات غالباً محذوف است.

⁸-Ardawān abar man ud tu ud wasān xwadāy...ast.

است خدایگان بسیاری و ضمیر دوم شخص منفصل - تو و ضمیر اول شخص منفصل برتر-صفت عالی اردوان مسند فعل ربطی

...از اردوان برتر از من و تو و بسیاری خدایگان است (ابوالقاسمی، ۱۳۷۵: ۱۱۱).

در نمونه فوق مسند قبل از فعل ربطی قرار گرفته و فعل ربطی به صورت مرکب نیز استفاده می‌شود. اگر فعل ربطی همبسته فعلی و مسند همبسته مفعولی باشد، آنگاه این مولفه با ترتیب واژه‌های اصلی در زبان پهلوی با الگوی OV همبستگی دارد.

۵-۸- مولفه شماره ۸ - ترتیب فعل خواستن و فعل وابسته به آن^۳

در زبان پهلوی فعل کمکی غالباً قبل از فعل اصلی قرار می‌گیرد. فعل‌های کمکی زبان‌های ایرانی میانه به دو دسته شخصی و غیر شخصی تقسیم می‌شوند که فعل کمکی شخصی در پهلوی در ساخت فعل-های مرکب به کار می‌روند. مانند: *griftan* (گرفتن) و *kāmistan* (خواستن) (ابوالقاسمی، ۱۳۷۵: ۱۸۴).

¹ order of verb and manner adverb

² Order of copula and predicate

³ Order of want and subordinate verb

xwāstan + فعل

xwāstan zīnhār زینهار خواستن

9- Sriit šud ka-š be ōzadan kāmist.
 مضارع التزامی خواست مضارع التزامی کشتن به پیشوند فعلی چون رفت سریت
 فعل خواستن فعل

۱- چون سریت رفت او را خواست کشتن (وزیدگی‌های زاداسپر، فصل ۴، بند ۱۴).
 در نمونه ۹ فعل خواستن بعد از فعل وابسته به آن قرار دارد. با این وجود، در زبان پهلوی ترتیب واژه‌های اصلی این مولفه با جفت همبستگی OV سازگار است.

۵-۹- مولفه شماره ۹- ترتیب اسم و صفت^۱

صفت در زبان پهلوی با ادات اضافه -I- (معادل کسره اضافه) و گاهی در نقش « که » موصول به کار می‌رود، معمولاً (پس از) موصوف می‌آید (آموزگار و تفضلی، ۱۳۷۵: ۶۷). آرایش صفت و موصوف یکی از سست بنیادترین آرایش‌ها در زبان پهلوی است به گونه‌ای که بسیاری از پژوهشگران معتقدند صفت، هم قبل از موصوف و هم بعد از آن (ابوالقاسمی، ۱۳۷۵: ۶۰) و (دبیر مقدم، ۲۰۰۱: ۶) همچنین در بعضی از موارد، نشانه اضافه بین صفت و موصوف حذف می‌شود (منشی زاده و ناصح، ۱۳۸۶) مانند نمونه-های زیر:

کوه بلند kōf -ī- borz مرد کینور kēnwar mard

۱۰- ān ī garm wād ud ān ī sard wād rasēd .

رسد فعل ماضی باد سرد (صفت) ادات آن و باد گرم (صفت) ادات آن

اسم صفت اسم صفت

و باد گرم و باد سرد رسد (زند بهمن یسن فصل ۴، بند ۴۴).

در نمونه ۱۰ صفت قبل از اسم قرار گرفته است. در زبان پهلوی صفت هم قبل و هم بعد از اسم می‌آید، در حالی که بند موصولی، همبسته مفعولی ولی صفت همبسته مفعولی نیست. ترتیب اسم و صفت معنادار نیست. پس اگرچه هم ترتیب اسم و صفت جفت همبستگی بسازد این همبستگی به صورت ضعیف است.

۵-۱۰- مولفه ۱۰- ترتیب حرف اشاره و اسم^۲

ضمایر اشاره در زبان پهلوی nē (این) ، nā (آن) است، هیچ یک از ضمیرهای اشاره حالت غیر مستقیم ندارد و این ضمیرها در حالت اضافه قبل از مضاف قرار می‌گیرند (راستا گویوا، ۱۳۴۷ (۱۹۶۸): ۹۰).

¹ Order of noun and adjective

² Order of demonstrative and noun

رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها در زبان فارسی میانه/۸۹

۱۱-ān dušmen ke družīh abar nišast.

فعل ماضی نشست برتر صفت عالی پسوند -īh دروغ که دشمن اسم آن حرف اشاره آن دشمن که به دروغ بر نشست(زند بهمن یسن، فصل ۹، بند ۱۰).

در نمونه ۱۱ حرف اشاره قبل از اسم قرار گرفته است. حرف اشاره نیز جزء اشاره کننده است، اگر حرف اشاره همبسته فعلی و اسم همبسته مفعولی باشد. آنگاه، این دو می‌توانند جفت همبستگی بسازند. چون حرف اشاره قبل از اسم قرار می‌گیرند و همبسته مفعولی هستند. ولی اسم، هسته و همبسته مفعولی است. با این وجود، این دو نمی‌توانند یک جفت همبسته بسازند. پس در زبان پهلوی ترتیب حرف اشاره و اسم جفت همبسته نمی‌سازد.

۵-۱۱- مولفه ۱۱- ترتیب قید شدت و صفت^۱

درایر (۹۷:۱۹۹۲) نشان داد که قیده‌های شدت (مانند خیلی، بسیار) نیز در زبان‌های دنیا جفت همبسته نمی‌سازند(نمونه فارسی: او خیلی زرنگ است).

۱۲-ēn ruvān i ōy druvand mard kē pad gētīg mihr drōzih ī vas kard.

کرد بسیار ادات اسم-شکن پیمان گیتی در که مرد دروغ گوینده آن روان این قید شدت صفت

این روان آن مرد دروند است که در گیتی بسیار پیمان شکنی کرد(ارداویرفنامه، فصل ۵۲، بند ۳).
در نمونه ۱۲ قید شدت بعد از صفت قرار گرفته است.

۵-۱۲- مولفه ۱۲- ترتیب فعل اصلی و فعل کمکی^۲

نمونه‌ای از فارسی میانه(پهلوی):

۱۳-Pid ud mād frazand ī xweš rāy ēn čand kār [ī] kirbag ...bē āmōxtan abāyēd.

فعل اصلی باید ماضی ساده فعل کمکی آموختن به پیشوند پسندیده ادات اضافه کارچند این را خویش ادات فرزند مادر و پدر پدر وم ادر، فرزند خویش را این چند کار پسندیده ...بیاموختن باید(ابوالقاسمی، ۱۳۷۵: ۱۸۹).
در نمونه ۱۳ فعل کمکی قبل از فعل اصلی قرار گرفته است، اما در برخی از ساخت‌های نشاندار، این ترتیب به منظور بیان تاکید تغییر می‌کند. فعل کمکی هسته و فعل اصلی وابسته است. نتیجه می‌گیریم این مولفه یک جفت همبستگی می‌سازد و ترتیب واژه‌های اصلی در زبان پهلوی با الگوی OV همبسته است.

۵-۱۳- مولفه ۱۳- ترتیب ادات پرسشی و جمله^۳

¹ Order of intensifier and adjective

² Order of content verb and auxiliary verb

³ Order of question particle and sentence

پرسش‌واژه‌های زبان پهلوی، ضمیر، صفت یا قید پرسشی است (ابوالقاسمی، ۱۳۷۵: ۳۶۶).
نمونه زیر از فارسی میانه (پهلوی):

۱۴-Ud az kadām paywan ud tōhm hēm?

ماضی ساده هست م نژاد و پیوند ادات پرسشی کدام از و

و از کدام پیوند و نژادم (ابوالقاسمی: ۱۳۷۵، ۳۶۳)؟

در فارسی میانه جمله پرسشی به وسیله ضمیر و قید پرسشی که عمدتاً čim (چرا) و kay (چه) (زمان) است، نشان داده می‌شود. پرسش‌واژه‌ها در جایگاه خود کمتر حرکت می‌کند و جابجا می‌شود. در زبان فارسی کلماتی مانند آیا؟ به صورت پرسشی می‌آید، و در اول جمله قرار می‌گیرد. ادات پرسشی به عنوان همبسته فعل و جمله به عنوان همبسته مفعولی است و با ترتیب واژه‌های اصلی الگوی VO در زبان پهلوی سازگار است.

۵-۱۴- ترتیب وابسته ساز قیدی و جمله وابسته

نمونه‌ای از این مولفه در زبان پهلوی:

۱۵-ka ō gil paymōgīh ud stī ī gētīgīg paydāgih
frēstihist.

فرستاده شد متجلی شود گیتی ادات وجود و جامه خاکی تا هنگامی
جمله وابسته وابسته ساز قیدی
هنگامی که فرستاده شد تا در جامه خاکی (به صورت انسان) و وجود گیتی (=این جهان) متجلی
شود (آموزگار، ۱۳۸۶: فصل ۲، بند ۲).

در نمونه ۱۵ وابسته ساز قیدی در جایگاه آغازین جمله و جمله وابسته بعد از آن قرار گرفته است. وابسته ساز قیدی همبسته فعلی و جمله وابسته (پیرو) همبسته مفعولی است. وابسته سازهای قیدی غیر گروهی، غیر انشعابی و هسته‌اند و قابل گسترش به عبارات گروهی قابل تکرار نیستند، ولی جمله‌های پیرو آنها عبارتهای گروهی و انشعاب پذیرند و لذا همبسته مفعولی‌اند. ترتیب این دو در زبان فارسی میانه (پهلوی) با ترتیب VO همبسته است.

۵-۱۵- مولفه ۱۵: ترتیب حرف تعریف و اسم^۱

در زبان پهلوی ادات نسبی برای نشان دادن توصیف اسم و مالکیت به کار می‌رود.

۱۶-gāw juxt ast ī abāg mard _ ē .

حالت غیر صریح اضافه مفرد مرد با ادات است یوغ گاو

حرف تعریف اسم

یوغ گاو است با مردی (جعفری دهقی، ۱۳۶۵: کرده ۳، بند ۷۹).

¹ Order of article and noun

رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها در زبان فارسی میانه/۹۱

در نمونه ۱۶ *mard_ē* در حالت غیر مستقیم (*oblique case*) است که صورت تغییر نیافته از فارسی باستان است. در حالت مستقیم *mard* در جایگاه فاعلی است، ولی در حالت غیر مستقیم در جایگاه دیگر (مفعول – غیر مستقیم – مضاعف_مضاف الیه و متمم) می‌تواند قرار گیرد. در دستورهای سنتی حرف تعریف را نوعی توصیفگر و لذا وابسته اسم به شمار می‌آورند، در این صورت حرف تعریف وابسته مفعولی و اسم وابسته فعلی است. اگر حرف تعریف و اسم را جفت همبستگی بدانیم، آنگاه بر اساس نظریه هسته – وابسته درایر (۱۹۹۲) جفت همبستگی اسم و حرف تعریف با ترتیب واژه‌های اصلی VO و OV همبستگی ندارد، یا همبستگی معکوس دارد.

۵-۱۶- مولفه ۱۶: ترتیب فعل و فاعل^۱

۱۷-Ohrmazd az pēš gāyōmard pāshānēnīd abērtar tuwān bud.

بود توان بیشتر پیش پاسبانی کیومرث پیش از اورمزد
فعل فاعل

اورمزد کیومرث را پیش پاسبانی کرد < تا > توان < او > بیشتر شد. (راشد محصل، ۱۳۶۶: فصل ۲، بند ۱۴)

در نمونه ۱۷ فاعل همبسته مفعولی و قبل از فعل قرار گرفته است و ترتیب واژه‌های اصلی این مولفه با OV همبسته است.

۵-۱۷- مولفه ۱۷: ترتیب عدد و اسم^۲

عدد در زبان پهلوی قبل از اسم قرار می‌گیرد و جزء گروه اسمی است که بین توصیفگر و معدود قرار می‌گیرند و حذف نمی‌شود.

۱۸-artaxšēr asp dō hač bārakān ardavān zēn kard.

کرد زین اردوان اسبان از دو اسب اردشیر
عدد اسم

اردشیر دو اسب از اسبان اردوان را زین کرد (kn, II, 12:14) (کارنامه اردشیر بابکان = kn). در نمونه ۱۸ ترتیب عدد و اسم در این زبان جفت همبستگی ایجاد نمی‌کند، چون عدد نیز رفتار و ساختاری مشابه صفت‌های توصیفگر در این زبان دارد. عدد قبل از اسم قرار می‌گیرد و کلمه غیر گروهی و غیر انشعابی است در عین آنکه نمی‌تواند برای اسم بعدی خود هسته محسوب شود. در چارچوب نظریه هسته – وابسته و جهت انشعاب درایر نمی‌گنجد و جفت همبستگی نمی‌سازد.

۵-۱۸- مولفه ۱۸: ترتیب وند (زمان-نمود) و ستاک فعل^۳

¹ Order of verb and subject

² Order of numeral and noun

³ Order of tense-aspect affix and verb stem

در فارسی میانه ستاک فعل به صورت مضارع، ماضی، مجهول، واداری و جعلی است. جایگاه فعل در فارسی میانه در پایان جمله است و وند زمان و نمود (وجه) بعد از فعل قرار می‌گیرد و به فعل اضافه می‌شود.

۱۹-Pāpak kaš ān saxus ašnud kasfrēst-ād.

شناسه وند فعل سوم شخص مفرد فرستاد کس مفعول مضارع التزامی شود سوم شخص مفرد سخن آن که
ستاک فعل بند موصولی

فاعل

بابک که آن سخن شنود کس فرستاد(کارنامه اردشیر بابکان، فصل ۱، بند ۱۵).

در نمونه بالا ترتیب ستاک فعل و وند به صورت زیر است: وند+ ستاک فعل

این مولفه با ترتیب واژه‌های اصلی دارای الگوی OV در این زبان است.

۵-۱۹-مولفه ۱۹: ترتیب اسم و مالکیت (نه مقید)^۱

مالکیت+اسم وابسته

۲۰-Hač asuwārān i artaxšer ham .

ضمیر شخصی متصل غیر صریح هستم اردشیر ادات سواران از
(کارنامه ادشیر بابکان بخش ۹-۷)

ازسواران اردشیرم
مالکیت اسم

در زبان پهلوی مالکیت همچنین وابسته به ضمیر متصل است مانند: *padiš* , *awiš* , *aziš* و برخی از آنها در آخر فعل می‌آیند. در نمونه ۲۰ مالکیت بعد از اسم قرار گرفته است. اگر اسم را همبسته فعلی و مالکیت را همبسته مفعولی در نظر بگیریم، این مولفه یک جفت همبستگی می‌سازد و با ترتیب واژه‌های اصلی VO , OV است.

۵-۲۰-مولفه ۲۰: ترتیب فعل و فعل کمکی (توانایی)^۲

نمونه‌ای از فارسی میانه (پهلوی) را بررسی می‌کنیم:

۲۱-rast hē az har wad, kas tu nē tuwān griftan.

گرفتن توان نه تو کس بد هر از رستی
مصدر فعل کمکی (توانایی)

۲۱-رستی از هر بد، کس تو نتوان گرفتن(فره وشی، ۱۳۸۶: فصل ۲، بند ۱۷).

در نمونه ۲۱ فعل کمکی قبل از مصدر و در ترتیب سازه‌ها که جملات به صورت فعل پایانی است، با ترتیب SOV سازگار است. فعل کمکی بعد از فعل قرار گرفته است و ترتیب آن به صورت فعل کمکی + فعل اصلی است. فعل کمکی در فارسی میانه قبل از فعل اصلی قرار نمی‌گیرد.

¹ Order of noun and possessive (not bound)

² Order of verb and auxiliary verb (able)

۵-۲۱- مولفه ۲۱: ترتیب متمم ساز و جمله^۱

متمم فعل، سازه‌ای است که لزوم حضور فعل را در جمله و نوع آن را تعیین می‌کند، متمم‌های فعل را زیرمقوله‌های آن می‌نامند (غلامعلی زاده: ۱۳۸۶، ۶۴).

۲۲-Pad arwand bār sē karezār kunēnd.

ماضی ساده کنند کارزا سه بار اروند در
جمله متمم ساز

در کرانه اروند سه کارزار کنند (راشد محصل، ۱۳۸۵: فصل ۷، بند ۷).

در نمونه ۲۲ متمم ساز در اول جمله قرار گرفته است. در فارسی میانه متمم ساز قبل از جمله به عنوان هسته غیر گروهی و همبسته فاعلی به کار می‌رود. با این وجود جمله بعد از آن عبارت گروهی و انشعابی است و با جفت همبستگی OV سازگار است.

۵-۲۲- مولفه ۲۲: واژه‌های پرسشی اجباری غیر آغازین - واژه‌های پرسشی

اجباری آغازین^۲

در فارسی میانه نیز واژه‌های پرسشی (مانند: *kū, kadam, če, kadār, čand*) وجود دارد و زمان، مکان، مالکیت، علت، چگونگی و رنگ ... را در جمله مورد پرسش قرار می‌دهند.

۲۳-kū wahišt pad gētīg weh ayāb ān ī pad mēnōg?

مینو به ادات آن یا به صفت تفضیلی گیتی به بهشت به

کلمه پرسشی اجباری آغازین

بهشت به گیتی به (=بهرتر) یا به مینو؟ (جعفری دهقی، ۱۳۶۵: کرده ۲، بند ۲).

این روانها کدامند؟ (ارداویرافنامه، فصل ۱۳، بند ۱)

واژه‌های پرسشی زبان پهلوی از نوع ضمیر، صفت و یا قید پرسشی هستند (ابوالقاسمی: ۱۳۷۵، ۳۶۳). واژه‌های پرسشی در همان جایگاهی باقی می‌مانند که جایگزین می‌شوند. واژه‌های پرسشی کمتر حرکت می‌کنند. اکثر واژه‌های پرسشی در آغاز جمله قرار می‌گیرند، اجباری بودن و غیراجباری بودن آن مربوط به مفهوم جمله است. اگر واژه‌های پرسشی حذف شود مفهوم جمله غیردستوری می‌شود اگر واژه‌های پرسشی به اول جمله حرکت کند حالت خاصی به وجود می‌آید، که هدف خاصی چون تایید و تاکید یا رفع شک، تردید و ابهام را می‌رساند. این حالت نشاندار و کم بسامد، در بعضی از جملات، کلمات پرسشی غیراجباری است. ولی در زبان فارسی میانه (پهلوی) با جفت همبستگی VO سازگار است

۵-۲۳- مولفه ۲۳: ترتیب مفعول و فعل^۳

راستارگویوا (۱۳۴۷) جمله با خبر فعلی از نظر روابط بین فاعل و مفعول به دو دسته تقسیم می‌شود:

¹ Order of complementizer and sentence

² Not-obligatory-initial-Wh or obligatory-initial-Wh

³ Order of object and verb

۱. جمله با ساختمان فعل معلوم یا با فاعل

۲. جمله با ساختمان فعل مجهول یا با مفعول

۲۴-u-š nāmag ō pāpak kard. (kn,1,5525)

کرد پاپک به نامه مفعول او ضمیر متصل صریح
فعل مفعول

و نامه به پاپک کرد (نوشت) (فره‌وشی، ۱۳۸۶: فصل ۱، بند ۲۷).

در ساختمان مجهول (مفعول) افعال متعدی در زمان‌های ماضی به کار می‌روند و مبتدای دستوری جمله مفعول منطقی است.

در نمونه ۲۴ مفعول قبل از فعل اصلی قرار گرفته است. مفعول همبسته مفعولی و فعل همبسته فعلی و هسته است. ترتیب واژه‌ها در ساخت‌های بی نشان SOV است. بین مفعول و فعل رابطه معناداری وجود دارد. جفت‌های همبستگی VO, OV رابطه‌ای بین عناصر و سازه‌های دستوری دارد. در نتیجه این مولفه در فارسی میانه با جفت همبستگی سازگار است.

۵-۲۴-مولفه ۲۴: ستاک فعل و وند منفی^۱

در فارسی میانه ادات nē برای نفی و ma برای نهی به کار می‌رود.

۲۵-Duš- čašm mard pad ayārīh ma gīr.

گیر پیشوند منفی یاری به مرد چشم دش
ستاک فعل وند منفی

مرد دش را چشم به یاری مگیر (عربان، ۱۳۷۱: اندرز انوشگ روان، بند ۲۳).

در فارسی میانه وند منفی قبل از فعل اصلی به کار می‌رود. اگر وند منفی را وابسته و ستاک فعل را به عنوان هسته در نظر بگیریم، آنگاه بر اساس نظریه درایر (۱۹۹۲: ۱۰۸) این مولفه جفت همبستگی نمی‌سازد. ولی اگر وند منفی را هسته و ستاک فعل را همبسته مفعولی و وابسته در نظر بگیریم، آنگاه می‌تواند جفت همبستگی بسازد. به طور کلی، این مولفه در فارسی میانه چون وند منفی وابسته و ستاک فعل هسته است، نمی‌تواند جفت همبستگی بسازد.

۶- نتیجه گیری

رده شناسی ترتیب واژه‌ها در زبان‌ها برای مطالعه آرایش سازه‌ها در سطح بند، گروه و جمله یکی از مطالعات اخیر پژوهشگران زبان است. لذا در این پژوهش بعد از بررسی ۲۴ مولفه که توسط مولفه‌های گرینبرگ (۱۹۶۳) و درایر (۱۹۹۹) ارائه شده است و با استفاده از الگوی ۲۴ مولفه دبیر مقدم (۲۰۰۶) از منابع مکتوب و آثار ادبی متون فارسی میانه پهلوی، نمونه‌های مختلف بررسی شد. از این بررسی‌ها نتایج ذیل به دست آمد، که الگوها در این زبان جفت همبستگی می‌سازند. از ۲۴ مولفه تنها ۱۹ مولفه از

¹ Order of verb stem and negative affix

ترتیب واژه‌های اصلی جفت همبستگی دارند. فارسی میانه پهلوی به جفت همبستگی تمایل بیشتری دارد. ترتیب واژه‌های اصلی در فارسی میانه پهلوی متغیر و آزاد است. ۱۹ مولفه در این زبان جفت همبستگی می‌سازند. در ۹ مولفه ترتیب واژه‌های اصلی با الگوی OV همبسته است. در ۱۰ مولفه ترتیب واژه‌های اصلی با الگوی VO همبسته است. نتایج بررسی از الگوها نشان می‌دهد که در مولفه‌های شماره ۱۰، ۱۱، ۱۵، ۱۷، ۲۴ در فارسی میانه جفت همبستگی نمی‌سازند. و تمایل آنها به جفت همبستگی در مولفه‌های ۱ تا ۹ و ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۶ و ۱۸ تا ۲۳ بیشتر است. به صورت کلی ترتیب واژه‌های اصلی در فارسی میانه (پهلوی) SOV، متغیر و آزاد است.

ردیف	مولفه‌ها(فارسی میانه)	OV	VO	توضیحات
۱	انواع حروف اضافه		*	
۲	ترتیب اسم و بند موصولی		*	
۳	ترتیب اسم و اضافه		*	
۴	ترتیب صفت و عبارت معیار مقایسه		*	
۵	ترتیب فعل و عبارتهای حرف اضافه	*		
۶	ترتیب فعل و قید حالت	*		
۷	ترتیب فعل ربط و مسند	*		
۸	ترتیب فعل خواستن و جمله یا فعل وابسته به آن		*	
۹	ترتیب اسم و صفت	ضعیف	ضعیف	
۱۰	ترتیب اشاره کننده و اسم	-	-	جفت همبستگی نمی‌سازد.
۱۱	ترتیب تشدیدگر(صفت) و صفت	-	-	جفت همبستگی نمی‌سازد.
۱۲	ترتیب فعل محتوا (مفهومی) و افعال کمکی	*		
۱۳	ترتیب ادات پرسشی و جمله	*		
۱۴	ترتیب وابسته سازقیدی و جمله وابسته	*		
۱۵	ترتیب حرف تعریف و اسم	-	-	جفت همبستگی نمی‌سازد.
۱۶	ترتیب فعل و فاعل	*		
۱۷	ترتیب عدد و اسم	-	-	جفت همبستگی نمی‌سازد.
۱۸	ترتیب وند(زمان،نمود) و ستاک فعل	*	*	
۱۹	ترتیب اسم و مالکیت (نه مقید)	*	*	
۲۰	ترتیب فعل و افعال کمکی(توانایی)	*	-	
۲۱	ترتیب متمم ساز و جمله	*		
۲۲	ترتیب کلمات پرسشی غیر اجباری آغازی و اجباری آغازی	*		

۲۳	ترتیب مفعول و فعل	*	
۲۴	ترتیب ستاک فعل ووند منفی	-	جفت همبستگی نمی سازد.

جدول شماره ۱: نتایج بررسی مولفه‌های ترتیب واژه‌ها در فارسی میانه

منابع

- آموزگار، ژاله و احمد تفضلی (۱۳۷۵). *زبان پهلوی: ادبیات و دستور آن*. تهران: انتشارات معین.
- آموزگار، ژاله (۱۳۸۶). *کتاب پنجم دینکرد*. تهران: انتشارات معین.
- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۵). *دستور تاریخی زبان فارسی*. تهران: انتشارات سمت.
- برونر کریستوفر، ج (۱۳۸۶). *نحو زبان‌های ایرانی میانه غربی*. ترجمه و تحقیق سعید عربان، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- نمره، یداله (۱۳۶۹). «تحلیلی بر رده‌شناسی زبان: ویژگی‌های رده‌شناختی زبان فارسی». *زبان‌شناسی*، ۷(۱): ۶۱-۸۰.
- جعفری دهقی، محمود (۱۳۶۵). *ماتیکان یوشت فریان*. تهران: انتشارات فروهر.
- دهدشتی، آذر میدخت (۱۳۶۳). *پژوهشی در متن پهلوی سی روزه کوچک و سی روزه بزرگ*. تهران: فروهر.
- دبیر مقدم، محمد (۱۳۹۲). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*. جلد اول و دوم. تهران: سمت. عربان، سعید (۱۳۷۱). *متن‌های پهلوی*. کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- راستارگویا، د، س (۱۳۴۷). *دستور زبان فارسی میانه*. ترجمه ولی‌الله شادان، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- راشد محصل، محمد تقی (۱۳۶۶). *گزیده‌های زاد اسپرم*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- راشد محصل، محمد تقی (۱۳۸۵). *زند بهمن یسن*. تصحیح متن، آوانویسی، برگردان فارسی و یادداشتها، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- زرنشاس، زهره و علی صابونچی (۱۳۹۸). «بررسی آرایش سازه‌های متن سغدی داستان دو مار»، *زبان شناخت*. سال ۱۰، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۶۷-۹۱.
- ژینیو، فیلیپ (۱۳۸۶). *ارداویراف نامه* ترجمه ژاله آموزگار، تهران: انتشارات معین، انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران.
- شریفی، شهلا (۱۳۸۷). «آرای هاوکینز در حوزه رده‌شناسی آرایش واژه‌ها و بررسی انطباق یا عدم انطباق این آرا بر آرایش واژه‌ها در زبان فارسی». *زبان و زبان‌شناسی*، ۴(۷): ۷۸-۹۶.
- غلامعلی زاده، خسرو (۱۳۸۶). «ساخت زبان فارسی» چاپ پنجم، تهران: احیا کتاب.
- فره‌وشی، بهرام (۱۳۸۶). *کارنامه اردشیر بابکان*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها در زبان فارسی میانه/۹۷
- محمود اف ، حسن(۱۳۶۵). «ترتیب توالی کلمات در جملات ساده دوترکیبی فارسی». مجله زبان‌شناسی. ۳/۱: ۵۳-۶۶.
- مقدم، آژیده(۱۳۹۰). «معانی و ساخت‌های دستوری حروف اضافه در زبان‌های پهلوی ساسانی و پارسی میانه ترفانی». پژوهش‌های زبان، ۲(۱): ۱۲۹-۱۵۶.
- منشی زاده، مجتبی و محمد امین ناصح(۱۳۸۶). «نگاهی رده شناختی به نحو زبان فارسی میانه پهلوی»، نشریه دانشکده ادبیات شهید باهنر کرمان، ۲۲(۱۹): ۲۳۵-۲۵۷.
- میر فخرایی، مهشید(۱۳۶۷). *روایت پهلوی*، تهران.
- موسوی خو، راضیه؛ زرشناس، زهره و آتوسا رستم بیک تفرشی(۱۳۹۹). «رده‌شناسی آرایش سازه‌های متن سغدی بودایی ((وستره جاتکه)): بر اساس مولفه‌های فعلی»، زبان شناخت. سال ۱۱، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۲۴-۱.
- واحد لنگرودی محمد مهدی(۱۳۸۲). ترتیب کلمات اصلی در جمله ساده در گویش گیلکی لنگرود، گویش شناسی: ۱(۱): ۹۸-۱۲۱.
- Aboelghasemi, Mohsen (1996). *Persian Language Historical Grammar*. Tehran: Samt Publication.
- Amuzegar, Zhaleh (2007). *Fifth Book Dinkard*. Tehran: Moein Publication.
- Amuzegar, Zhaleh and Ahmade Tafazoli (1996). *Pahlavi Language: Literature and Its Grammar*. Tehran, Moein, Publication.
- Brunner.C. A. (1977). *Syntax of Western Middle Iranian*, Delmal and New York, Caravan books.
- Comrie, B. (1989). *Language Universals and Linguistic Typology* (2nd ed.). Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Dabir-Moghaddam, M. (2013). *Typology of Iranian Languages. Volume (1&2)*. Tehran: Samt Publication.
- Dabir Moghadam, M. (2006). Internal and External Forces in Typology: Evidence from Iranian Languages. *Literary Text Research*, 7(22), 1-25.
- Dabir Moghadam, M. (2001). "Word Order Typology of Iranian Language", *The Journal of humanities*, 2(8):17-23.
- Dabir Moghadam, M. (1997). "Descriptive and Theoretical Aspects of Word Order Status in Persian and Selected Iranian Languages". In B. Caron (ed.) (1997) *Proceedings of the 16 International Congress of Linguists*. London: Elsevier Science Ltd.
- Dehdashti, A. M. (1984). *Research in Pahlavi Text Small Thirty Days and Big Thirty Days*. Tehran: Farvaha.

- Dryer, M. (1992). "The Greenbergian Word Order Correlations, *Language*. 68: 81 -138.
- Farhvashei, B. (2007). *Karnamag-e Ardasheir Babakan*, Tehran: Tehran University Publication.
- Gholam Alizadeh, K. (2007). "Persian Structure" Version 5. Tehran: Ehyae Ketab.
- Greenberg, J. (1963). "Some Universals of Grammar with Particular Reference to the Order of Meaningful Elements. In Greenberg (ed) *Universals of Language*, pp. 107- 136. Cambridge: MIT press.
- Hawkins, J., A. (1983). "Word Order Universals". Academic Press New York.
- Jafari Dehaghi, M. (1986). *Matikan Yuesh Feriyan*. Tehran: Farvahar Publication.
- Johnson, D. (1974). "Toward a Theory Relationally Based Grammar.", Ph.D. Dissertation, The University of Illinois.
- Mahmood OF, H. (1986). Word Order of in Simple and Compound Persian Sentences. *Linguistic Journal*: 3/1.53-66.
- Mir fakhraei, M. (1988). *Pahlavi Rivāyat*, Tehran.
- Moghadam, A. (2011). "Semantics and Grammar Structures Preposition in Pahlavi Sasanī and Middle Persian Turfani" *Language Researches* 2(1).129-156.
- Monshei Zadeh, M. and M. A. Naseh (2007). "Consider Typology to Persian Middle (Pahlavi). *journal of collage Shaheid Bahonare Kerman*, 22(19)235-257.
- Musavi khoo, R.; Zarshenas, Z. and A. Roastambeik Tafreshi (2021). Typology of the Word Order of the Buddhist Sogdian Text "Vesantra Jātaka" (The Story of the Buddha's Birth) based on Verbal Categories. *Language Studies*, 11(2), 217-238.
- Oryan, S. (1992). *Pahlavi Texts*, National Library Republic Islamic of Iran.
- Rashed Mohasel, M. T. (2006). *Zand Bahman Yasan*, Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Rashed Mohasel, M. T. (1987). *Gozid-e Hayeh Zadesparm*, Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Rastar Goiva, D, S (1968). *Middle Persian Grammar*. Translation by Vali Allah Shayan, Tehran: Cultural Foundation Iran.
- Samareh, Y. (1990). Analyses According Typology: Persian Language Typology Characteristic. *Linguistic*, 7(1):61-80.

- Sharifi, S. (2008). Hawkins's Word Order Typology and the Word Order Patterns of the Persian Language. *Language and Linguistics*, 4(7), 78-96.
- Vahedi, Langgarodi, M. M. (1383). Words Order Original in Simple Sentence in Geilaki Langgarud Dialect. *Dialectology*,1: (1): 98-121.
- zarshenas, Z. and A. Sabounchi (2020). Study of Word Orders in Sogdian Text, the Story of Two Snakes. *Language Studies*, 10(2), 67-91.
- Zheineib, F. (1386). Ardaveiref Nam-e Translation by Zhaleh Amuzegar, Tehran: Publication Moein, Institute Français de Recherche en Iran.

سید ابراهیم
